



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

چهار سناریوی محتمل اسرائیل برای ایران

هم‌زمان با اقدام ایالات متحده برای ارسال سامانه پدافندی THAAD به همراه صد صدهم به اسرائیل، سیگنال‌های واضح‌تری مبنی بر اینکه اسرائیل قصد دارد به پاسخ موشکی اول اکتبر ایران واکنش نشان دهد، دیده می‌شود. پاسخ اسرائیل هر چه باشد، هدف انتخابی نشان می‌دهد که آیا صرفاً قصد تلافی دارد یا اینکه می‌خواهد گام بزرگتری در جهت افزایش تنش بردارد. به‌طور کلی پنج سناریو می‌توان در نظر گرفت:

۱ چشم در برابر چشم: اسرائیل ممکن است با انجام یک حمله برای نابودی یک هدف با اهمیت محدود، بازدارندگی اش را بازگرداند. آنها ممکن است تصمیم بگیرند که بر روی چنین هدفی تمرکز کنند تا عزم خود را به مخاطبان داخلی و بین‌المللی نشان دهند. این نوع هدف، توانایی اسرائیل برای به خطر انداختن هر مکانی را بر جسته می‌کند و پیامی غیرقابل انکار به ایران می‌فرستد: اکنون، بی حساب شدیم. اهداف محدود می‌تواند شامل یک سکوی نفتی مهم، یک کشتی جنگی، یک سایت راداری، یا یک مرکز فرماندهی و کنترل کلیدی باشد. چنین حمله‌ای ممکن است از قبل برای کاهش تلفات غیرنظامیان اطلاع‌رسانی شود.

۲ کند کردن تیغه توانایی ایران: فراتر از یک هدف محدود، اسرائیل ممکن است تصمیم بگیرد برخی توانایی‌های خاص نظامی ایران را هدف قرار دهد. این امر مستلزم تلاش بیشتر ارتش اسرائیل با اختصاص منابع بیشتر و احتمالاً حملات چندروزه به خاک ایران باشد. در این نوع کارزار، ارتش اسرائیل می‌تواند دارایی‌های نظامی را که اسرائیل را در معرض بیشترین خطر قرار می‌دهد، هدف قرار دهد. دارایی‌هایی مثل باتری‌های موشکی، سایت‌های هواپیماهای بدون سرنشین، زیردریایی‌ها و فرودگاه‌ها. این کارزار را می‌توان به یادگان‌های نظامی، راه‌های تدارکات لجستیکی و عناصر منتخب مجتمع صنعتی نظامی ایران گسترش داد. تخریب این مکان‌ها توانایی ایران برای نمایش قدرت نظامی بر اسرائیل و همسایگانش را کاهش می‌دهد. برای انهدام چنین هدفی، اسرائیلی‌ها به احتمال زیاد بخش قابل توجهی از نیروی هوایی خود را درگیر خواهند کرد. هواپیماهای جنگنده مانند F-۱۶ و F-۳۵ به حریم هوایی ایران نفوذ می‌کنند و از سلاح‌های دقیق مانند JDAM برای سرنوشتی اهداف استفاده می‌کنند. اهداف نامدین و نظامی این حمله و تأثیر آن اغلب گذرا است. موشک‌ها جایگزین می‌شوند، فرودگاه‌ها بازسازی می‌شوند و سایت‌های رادار جابه‌جا می‌شوند.

۳ بریدن سر ماز: در حالی که ضربه زدن به اهداف اقتصادی یک گام مهم در نردبان تشدید تنش است، حرکت بعدی حرکتی اساسی به سمت جنگ فراگیر خواهد بود. اسرائیلی‌ها ممکن است اهدافی را که نظام ایران را بی‌ثبات می‌کنند انتخاب کنند. حکومت ایران از طریق ارتباط و کنترل بر شهروندان خود ثبات می‌یابد. اهداف مختلفی وجود دارد که ممکن است توانایی دولت را برای حفظ این کنترل کاهش دهد. اینها شامل زیرساخت‌های رسانه‌های دولتی، مراکز دولتی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. ممکن است برای اسرائیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هدف مناسبی باشد. زیرا تضعیف آن بر توانایی‌های نظامی و کنترل تأثیر می‌گذارد. برای انهدام پایگاه‌های پادگان سپاه به سبب‌های ضربتی بزرگ هواپیما یا انواع سلاح‌های نامتعارف است. به‌طور کلی، این یک تلاش مستمر خواهد بود که شامل طیفی از از قابلیت‌هاست.

۴ حمله به تأسیسات هسته‌ای: در نهایت، ارتش اسرائیل ممکن است برنامه هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد. برای بیش از یک دهه، بسیاری بر این باور بوده‌اند که این هدف اصلی اسرائیلی‌هاست. در حالی که ریشه‌کن کردن توانمندی‌های هسته‌ای ایران ممکن است بزرگترین هدف اسرائیل باشد، اما تغییر چندان در جنگ امروز ایجاد نمی‌کند. اگر ارتش اسرائیل یک یا چند سایت برنامه هسته‌ای ایران را نابود کند یا به شدت آسیب برساند، پیام واضح است: اسرائیل برای سرکوب آنچه که تهدید ایران برای موجودیت خود می‌داند و دست‌یابی به ثبات بلندمدت در منطقه، هر کاری که لازم است انجام خواهد داد. این اقدامات به وضوح هدف بلندمدت اسرائیل را با استفاده از نبرد فعلی با نیروهای متحد ایران برای فراتر رفتن از یکسان‌سازی میدان بازی و حذف هرگونه تهدید هسته‌ای بالقوه مشخص می‌کند. همچنین زمینه را برای اسرائیل فراهم می‌کند که تنها کشور منطقه با قابلیت‌های هسته‌ای باشد. ارزیابی این موضوع از نظر میزان تشدید تنش دشوار است، اما به احتمال زیاد تضمین می‌کند که ایرانی‌ها تلاش‌های خود را برای دستیابی به سلاح هسته‌ای با هر وسیله‌ای که باقی مانده یا هر گزینه‌ای در دسترس دارند، دنبال کنند.

احمد قوام، نخست‌وزیر وقت ایران و ایوان سادچیکوف، سفیر وقت اتحاد جماهیر شوروی در تهران در حال امضای توافقنامه



تاریخ
دیپلماسی

درباره احمد قوام و بازخوانی نقش او در داستان امتیاز نفت شمال

دام استالیسین

است با اعلام اینکه امتیاز خوشترایا از اساس باطل بوده توسط دولت قوام رد شد. اما بریتانیایی‌ها در تمام مذاکرات فشرده میان ایران و استاندارد اوپل برای سنگ‌اندازی و پیشیمان کردن آمریکایی‌ها تلاش کردند و در نهایت نیز موفق شدند. شرکت نفت ایران و انگلیس با پیش کشیدن بحث انحصار خطوط انتقال نفت در جنوب ایران خروج هر محموله نفتی از بندرهای جنوب را در انحصار خود دانسته و شرکت آمریکایی را اذیت کردند که بدون مشارکت شرکت نفت ایران و انگلیس امکان فروش نفت استخراجی را نخواهند داشت و از این سو نیز دولت ایران زیر بار مشارکت شرکت نفت ایران و انگلیس در امتیاز نفت شمال نرفت و مجلس نیز با حضور این شرکت در دوره امتیاز نفت شمال مخالفت کرد و بدین ترتیب این تلاش در دوره نخست‌وزیری حسن پیرنیا بی نتیجه به پایان رسید.

اشغال ایران و طرح مجدد بحث امتیاز نفت شمال

با تغییر سلطنت قاجار به پهلوی بحث امتیاز نفت شمال تا پایان سلطنت رضاشاه مسکوت ماند. از سال ۱۳۲۲ بود که چند شرکت آمریکایی به دنبال امتیاز نفت جنوب شرقی ایران با دولت وارد مذاکره شدند. طرح بیث نفت دوباره شوروی را برای پیگیری موضوع نفت شمال تحریک کرد و مهمتر اینکه اکنون شمال ایران در اشغال ارتش سرخ بود. استالین از ابتدای اشغال ایران قصد نداشت بدون امتیاز بزرگی خاک ایران را ترک کند؛ از همین رو سرگرمی کافکارزاده، معاون وزارت خارجه شوروی در شهریور ۱۳۲۳ به ایران آمد و دولت ایران را برای اجازه اکتشاف نفت در شمال تحت فشار قرار داد و در حین همین فشار بود که جرقه‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت زده شد. محمد مصدق، سیاستمدار کهنه کار قاجاری که در دوران آزادی پس از سقوط رضاشاه به صحنه سیاست بازگشته بود، قانونی را در مجلس شورای ملی به تصویب رساند که دولت تا زمانی که کشور در اشغال نیروهای خارجی است، حق مذاکره و اعطای امتیاز به هیچ کشور بیگانه‌ای را ندارد. در «قانون ممنوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد راجع به امتیاز نفت با خارجی‌ها» مصوب ۱۱ آذرماه ۱۳۲۳ آمده بود:

«ماده اول - هیچ نخست‌وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت می‌کنند نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ‌یک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیرمجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی امضاء نمایند.

«ماده دوم - نخست‌وزیر و وزیر می‌توانند برای فروش نفت و طرزری که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می‌کند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی رامستحضر نمایند.

«ماده سوم - متخلفین از ماده اول به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد. این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه یازدهم آذرماه یک‌هزار و سیصد و بیست و سه به تصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی - محمدصادق طباطبایی».

خارج ایران بود، با فشار روس‌ها قرارداد دیگری بدون نظارت مجلس شورای ملی، میان دولت تزاری روس و دولت ایران منعقد شد که مطابق آن حق انحصار کشف و استخراج نفت و گاز طبیعی و قیر و موم طبیعی در حوزه ایالات گیلان و مازندران و استرآباد به مدت هفتاد سال به خوشترایا اعطا می‌شد. مفاد امتیازنامه خوشترایا مشابهت زیادی با امتیازنامه دارسی داشت که با عنوان «امتیاز استخراج نفت و موم طبیعی معدنی» منعقد شد؛ با این تفاوت که این بار دولت ایران طرف قرارداد قرار گرفت. در ماده اول آمده بود: «دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران به موجب امتیازنامه حق انحصار کشف و استخراج نفت و گاز طبیعی و قیر و موم طبیعی را در حوزه ایالات گیلان و مازندران و استرآباد در مدت هفتاد سال به صاحب امتیاز مرحمت و اعطای می‌فرمایند. (مجال و نقاطی که به موجب فرمان همایونی مورخ شعبان ۱۳۱۳ به آقای محمولی خان سپهسالار اعظم واگذار شده به کلی از این امتیاز خارج است.)

ابتداء از تاریخ امضای امتیاز تا مدت هفتاد سال این تفتیش و استخراج در ایالات مذکوره حق صاحب امتیاز خواهد بود. در ماده ششم صاحب امتیاز متعهد شده بود: «هر ساله از منافع خالص صدی شانزده با یک صورت بیلان به دولت علییه ایران تقدیم دارد.»

در عین حال ماده یازدهم پیش‌بینی کرده بود: «اگر در مدت پنج سال از تاریخ این امتیاز شروع به عملیات نشود این امتیاز از درجه‌ای اعتبار به کلی ساقط است.» و همین اتفاق نیز افتاد و علاوه بر مخالفت‌های داخلی و عدم تصویب این امتیاز در مجلس شورای ملی که تنها مرجع رسمی و قانونی تصویب هر امتیاز و قرارداد با اتباع و دولت‌های خارجی بود، خود روس‌ها هم درگیر انقلاب داخلی شده بودند و نتوانستند از این امتیاز بهره‌برداری کنند و خوشترایا ناامید امتیاز را به شرکت نفت ایران و انگلیس فروخت. هم‌زمان شرکت نفت ایران و انگلیس و شرکت‌های نفتی آمریکایی برای گرفتن امتیاز نفت شمال ابراز تمایل کردند. احمد قوام، صدراعظم وقت ضمن رد اعتبار امتیاز خوشترایا و بی‌اعتباری فروش آن به شرکت، با مبادرت حسین علاء سفیر ایران در واشنگتن تلاش جدی را برای اذیت شرکت آمریکایی استاندارد اوپل برای دریافت امتیاز نفت شمال آغاز کرد. اعتراض شوروی که مدعی بود امتیازات استعماری روسیه تزاری در قبال ایران که توسط دولت جدید شوروی ملغی اعلام تزاری در شرط عدم اعطای آن امتیازات به دولت دیگر بوده

قوام با پیش کشیدن بحث امتیاز نفت شمال استالین را وسوسه کرد

و در عین حال یادآوری کرد که واگذاری این امتیاز منوط به برگزاری انتخابات و تصویب این امتیازنامه در مجلس جدید است

و برگزاری انتخابات تا زمان ترک اشغال و اعاده حاکمیت دولت بر همه مناطق ممکن نیست

دولت بر همه مناطق ممکن نیست

دولت بر همه مناطق ممکن نیست

دولت بر همه مناطق ممکن نیست

داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی



از سال‌های پایانی قرن نوزدهم کم‌کم اهمیت نفت در صنعت و حمل و نقل رو به افزایش گذاشت و به مرور از زغال سنگ پیشی گرفت و قدرت‌های جهانی به تصاحب و اکتشاف و استخراج نفت علاقه جدی تری پیدا کردند. در اواخر قرن نوزدهم، بندر باکو درای خزر به عنوان مرکز صنعت نفت امپراطوری روسیه در سراسر جهان شناخته شده بود. روسیه تزاری با استخراج گسترده نفت و صنعتی شدن باکو از نظر میزان توسعه و تولید صنعت نفت، رتبه اول را در جهان کسب کرد. در سال ۱۹۰۱ پیش از نیمی از تولید نفت جهان و ۹۵ درصد از کل تولید نفت روسیه در باکو انجام می‌شد. از سال ۱۸۷۴ تا ۱۸۹۹، ۲۹ شرکت نفتی در باکو تاسیس شد، که تعداد زیادی با مشارکت سرمایه خارجی بود. با این وجود روسیه امیدوار بود که علاوه بر باکو منابع نفتی گسترده‌تری در حاشیه دریای خزر وجود داشته باشد و در این میان بخشی از ساحل دریای خزر نیز که در قلمرو ایران قرار داشت، مورد طمع روسیه بود. گذشته از قرارداد روبتر که امتیازات گسترده‌ای در همه حوزه‌ها را واگذار کرده بود و البته در نطفه ملغی شد و به نتیجه‌ای نرسید، انگلیس با امتیازنامه دارسی در سال ۱۲۸۷ شمسی به منابع گسترده نفت در جنوب ایران دست یافت و روس‌ها هم که همواره در ایران به دنبال امتیازات مشابه با بریتانیا بودند برای دستیابی به امتیاز نفت شمال به ایران فشار آوردند.

امتیاز خوشترایا

ناصرالدین‌شاه دو دهه پیشتر در سال ۱۲۷۴ امتیاز نفت در تنکابن و گجور و کلانزستانی را به میرزا محمدعلی ولی خان تنکابنی واگذار کرده بود اما این امتیاز بلااستفاده ماند تا سپهدار تنکابنی وقتی که به‌عنوان یکی از سرداران فاتح تهران به صدراعظمی رسید، تحت فشار روس‌ها مجبور شود تمام امتیاز نفت شمال را به تاجر گرگی روسی به نام آکاکی مدیدیهویچ خوشترایا واگذار کند.

این قرارداد محرمانه و پنهانی بود و به همین دلیل، مدتی بعد هنگامی که سپهدار تنکابنی نخست‌وزیر و وثوق الدوله وزیر